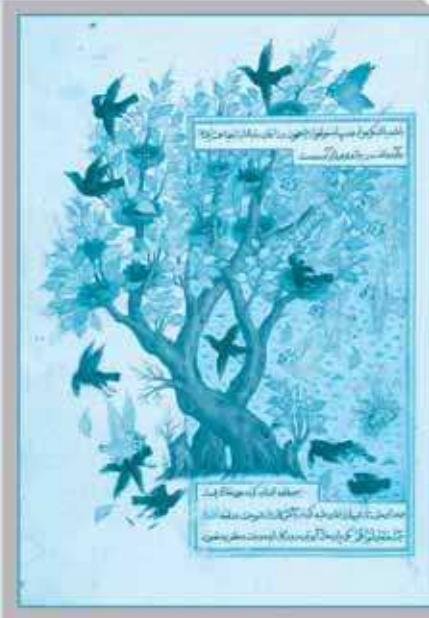


## فصل اول: آفرینش

۸	ستایش
۱۰	درس اول
۱۳	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۱۸	پاسخ‌های تشریحی
۲۰	درس دوم
۲۴	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۳۱	پاسخ‌های تشریحی

## فهرست



## فصل دوم: دانایی و هوشیاری

۳۴	درس سوم
۳۶	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۴۳	پاسخ‌های تشریحی
۴۶	درس چهارم
۴۸	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۵۵	پاسخ‌های تشریحی
۵۷	درس پنجم
۶۰	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۶۷	پاسخ‌های تشریحی

## فصل سوم: ایران من

۷۰	درس ششم
۷۴	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۸۱	پاسخ‌های تشریحی
۸۴	درس هشتم
۸۸	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۹۴	پاسخ‌های تشریحی



## سوالات درسی (استعداد تحلیلی)

۸۱ درس «رازی و ساخت بیمارستان» تدوین ..... و تلفیق با کتاب ..... است.

(۱) محمد میرکیانی، زکریای رازی (مجموعه‌ی کتاب‌های فرزانگان)

(۲) مهدی مراد حاصل، زکریای رازی (مجموعه‌ی کتاب‌های فرزانگان)

(۳) محمد میرکیانی، زیباترین قصه‌ها

(۴) حسین سیدی، خواجه نظام الملک توسي

۸۲ کلمه‌های جا افتاده، به ترتیب، در هر مصراع از شعر در کدام گزینه صحیح است؟

(۱) به نام خداوند ..... و خرد ..... (جان، برگذرد)

خرد، دست گیرد به هر دو سرای (دلگشای، رهنمای)

ز دانش دل پیر، ..... بود (دانای، برنا)

ندارد بَرِ کس، شکوه (سنگ، زیرا)

۳۶

در کدام بیت واژه‌ی مخفف دیده نمی‌شود؟

(۱) به نام خداوند جان و خرد

ازیرا ندارد بَرِ کس، شکوه

بدین جایگه گفتن اندرخورد

نبشد همی شادمان یک زمان



۸۳ متراوف واژه‌ی مشخص شده در بیت زیر در کدام گزینه دیده می‌شود؟

ز نادان بنالد دل سنگ و کوه

(۱) چه گفت آن خردمند مرد خرد

کسی کو خرد را ندارد ز پیش

نخست آفرینش خرد را شناس

(۴) سه پاس تو چشم است و گوش و زبان



در کدام بیت، واژه‌های متضاد دیده نمی‌شود؟

(۱) تویی کرده‌ی کردگار جهان

سه پاس تو چشم است و گوش و زبان

(۲) توانا بود، هر که دانا بود

(۳) چه گفت آن خردمند مرد خرد



۸۴ معنی چند واژه در مقابل آن درست نوشته شده است؟

(گرمابه: حمام) (طیب: پزشک) (فراخواند: آواز خواند) (بلندآوازه: معروف) (دلگشای: خوشایند) (ازیرا: برای اینکه)

(۱) چهار (۲) سه (۳) شش (۴) پنج

۸۷

در کدام گروه از واژگان، یکی از آنها، صحیح معنی نشده است؟

- (۱) (کهن: قدیمی) - (اندیشه: فکر) - (مسئله: موضوع) - (تعجب: حیرت)
- (۲) (هوس: میل) - (دستور: فرمان) - (آویزان: معلق) - (فاسد: تباہ)
- (۳) (خونسردی: شکیابی) - (تعیین: مشخص کردن) - (شوک: هیجان) - (سربلندی: سرافرازی)
- (۴) (گرنده: آسیب) - (شکوه: عظمت) - (برنا: جوان) - (برنگذرد: بایین نزود)

۸۸

در کدام گروه واژه‌ها غلط املایی بیشتری دیده می‌شود؟ (تشدید را غلط املایی محسوب نکنید.)

- (۱) دوستان عزیز، موّقیت خود، محمد پسر ذکریا، شوق خواندن و یادگیری
- (۲) تأیین جای مناسب، فاسد و بدبو، چند تکه گوشت، خانه‌ی مهقر
- (۳) پروردۀ گار مهریان، فانوس‌های ترئینی، باغ بی‌انهای، مسافرت شبانه
- (۴) فواره‌ی حیاتمان، محدوده‌ی زندگی، ستارگان آسمان، نظر عالی

۸۹

در کدام عبارت آرایه‌ی «کنایه» دیده نمی‌شود؟

- (۱) بعضی در دل، خنده‌یدن و با خود گفتند: «نکند طیب بزرگ ما، هوس خوردن کباب کرده است!؟!
- (۲) محمد پسر ذکریا، که در ابتدای جوانی پدرش را از دست داده بود، ناچار در کارگاه زرگری کار می‌کرد؛ اما شوق خواندن و یادگیری، همواره او را به سمت کتاب می‌کشاند.
- (۳) هر وقت اسم کتاب تازه‌ای را می‌شنید یا چشمش به کتاب تازه‌ای می‌افتداد، تا آن را نمی‌خواند، دست بردار نمود.
- (۴) دوستان عزیز، اکنون من و شما برای موّقیت خود و سربلندی میهن عزیzman، ایران، چه کارهایی باید انجام دهیم؟

۹۰

در کدام گزینه، واژگان از لحاظ ساختار (ساختمان)، با بقیه‌ی گزینه‌ها متفاوت است؟

- (۱) آتشگر، آهنگر      (۲) زرگر، مسگر      (۳) رفتگر، ریخته گر      (۴) ستمگر، شناگر

۹۱

در کدام گزینه، « فعل امر » دیده می‌شود؟

- (۱) بزرگان شهر با تعجب به هم نگاه کردند و گفتند: « گوشت تازه برای ساخن بیمارستان!؟!
- (۲) طبیب، خوش حال شد و گفت: « بروید و چند تکه گوشت تازه بیاورید. »
- (۳) دیگری می‌گفت: « بهتر است نزدیک گرمابه‌ی شهر باشد. » خلاصه، هر کس، مکانی را پیشنهاد می‌کرد.
- (۴) به هر حال، با رسیدن گوشت‌ها، طبیب بزرگ شهر دستور داد تا آنها را در چند نقطه‌ی شهر از شاخه‌ی درخت آویزان کنند.

۹۲

در کدام گزینه، نهاد، مخدوف است؟

- (۱) همه از این فرمان طبیب شگفت‌زده شدند، اما طبیب ادامه داد.
- (۲) پس از پرس‌وجو و گفت و گو، تصمیم گرفتند نظر طبیب بزرگ شهر را پرسند. نزد وی رفتند و مسئله را به او گفتند.
- (۳) او با خواندن همین کتاب‌ها می‌خواست جهان خود را بهتر و بیشتر بشناسد.
- (۴) یکی از شرط‌های موّقیت در کارها، بهره‌گیری از دانایی و هوشیاری است.

۹۳

تعداد جمله در کدام گزینه در مقابل آن به درستی نوشته نشده است؟

- (۱) در پایان سفر مرد از پرسش پرسید: نظرت در مورد مسافر تمان چه بود؟ پسر پاسخ داد: عالی بود پدر! (۵ جمله)
- (۲) ناچار در کارگاه زرگری کار می‌کرد؛ اما شوق خواندن و یادگیری، همواره او را به سمت کتاب می‌کشاند. (۲ جمله)
- (۳) باشنیدن حرف‌های پسر زبان مرد بند آمده بود. پسر پیچه‌هه اضافه کرد: متشکرم پدر تو به من نشان دادی که ما چقدر فقیر هستیم. (۴ جمله)
- (۴) دوستان عزیز، اکنون من و شما برای موّقیت خود و سربلندی میهن عزیzman، ایران، چه کارهایی باید انجام دهیم؟ (۲ جمله)

## در کدام گزینه غلط املایی بیشتری وجود دارد؟

- ۱) بازارگانی بود که سرمایع فراوانی داشت. او مردی باتجریه بود و از حوادث روزگار، بسیار چیزها آموخته بود. سال‌ها گذشت و بازارگان، صاحب چند فرزند شد. زنده‌گی خوب و آرامی داشت و به آینده‌ی فرزندان خود می‌اندیشد. فرزندان هم در کتاب مادر و پدر، فضای گرم و پُر مهربی داشتند.
- ۲) روزی پدر، فرزندان را گرد خود، جمع کرد و گفت: «امروز می‌خواهم به شما چیزی پکویم؛ دلم می‌خواهد خوب به آن گوش بدھید و در آینده از آن، استفاده کنید». بعد سخنان خود را این گونه ادامه داد: «ای فرزندان، مردم، معمولاً برای رسیدن به این سه چیز تلاش می‌کنند: زندگی راحت، مقام بزرگ و پاداش نیک آخرت.
- ۳) هر کس از کار و تلاش روی بگردداند، نه اسباب آسایش زندگی خود را می‌تواند فراهم کند و نه می‌تواند از دیگران مراجعت نماید. اگر مالی به دست آورده و در نگهداری آن غفلت ورزد، زود تهیه‌ست شود. همچنان که اگر از کوه هم اندک اندک بردارند، چیزی از آن بر جای نمی‌ماند.
- ۴) هر که در اندوختن مال دنیا فقط برای خود تلاش کند، در ردیف چارپایان است؛ چون سگ گرسنه که به استخانی، شاد شود و به پاره‌ای نان، خشنود گردد.

## در تمام عبارت‌های زیر آرایه‌ی «کنایه» دیده می‌شود به جز ...

- ۱) هر کس از کار و تلاش روی بگردداند، نه اسباب آسایش زندگی خود را می‌تواند فراهم کند و نه می‌تواند از دیگران مراجعت نماید.
- ۲) چون سر از خاک برآورد و روی زمین را آراست، معلوم گردد که چیست.
- ۳) هر که در اندوختن مال دنیا فقط برای خود تلاش کند، در ردیف چارپایان است؛ چون سگ گرسنه که به استخوانی، شاد شود و به پاره‌ای نان، خشنود گردد.
- ۴) بازارگانی بود بسیار مال و او را فرزندان دررسیدند و دست اسراف به مال او دراز کردند.

## در متن زیر چند واژه‌ی جمع به کار رفته است؟

«بازرگانی بود که سرمایع فراوانی داشت. او مردی باتجریه بود و از حوادث روزگار، بسیار چیزها آموخته بود. سال‌ها گذشت و بازارگان، صاحب چند فرزند شد. زندگی خوب و آرامی داشت و به آینده‌ی فرزندان خود می‌اندیشد.»

- ۱) شش
- ۲) چهار
- ۳) پنج
- ۴) سه

## در کدام گزینه فعل امر وجود دارد؟

- ۱) در آن حال، بی‌شک آن را پرورند و از آن بهره گیرند.
- ۲) بیهوده خودت را خسته نکن.
- ۳) ای فرزندان، بکوشید به کسب هنر و فضیلت.
- ۴) شما هم ای فرزندان، خویش را به نیکویی بشناسانید.

## با توجه به درس «بازرگان و پسران»، اندک از کوه برداشتن، شبیه چه کاری است؟

- ۱) شبیه به مقدار دانش و فهم آدمی است، که باید بکوشید خویش را به نیکویی بشناساند.
- ۲) شبیه انسان ثروتمند و باهنری است که اگرچه گمنام باشد و دشمن بسیار داشته باشد، به سبب عقل و هنر خویش در میان مردم، شناخه می‌شود.
- ۳) شبیه اندوختن مال دنیا است که انسان فقط برای خود تلاش کند.
- ۴) شبیه به دست آوردن مالی است که اگر در نگهداری آن غفلت شود، تهیه‌ستی ایجاد می‌شود.





با توجه به درس «بازرگان و پسران»، کدام «تمثیل» برای عبارت‌های زیر به درستی ذکر نشده است؟ ۱۳۵

- (۱) اگر مالی به دست آورد و در نگهداری آن غفلت ورزد، زود تهیست شود. ← همچنان که اگر از کوه هم اندک بردارند، چیزی از آن بر جای نمی‌ماند.
  - (۲) هر که در اندوختن مال دنیا فقط برای خود تلاش کند. ← چون سگ گرسنه که به استخوانی، شاد شود و به پاره‌ای نان، خشنود گردد.
  - (۳) ای فرزندان، بکوشید به کسب هنر و فضیلت، که انسان ثروتمند و باهرز، اگرچه گمنام باشد و دشمن بسیار داشته باشد، به سبب عقل و هنر خویش در میان مردم، شناخته می‌شود. ← چنان که فروغ آتش را هرچه تلاش کنند کم شود، باز هم شعله‌ور می‌گردد.
  - (۴) اگر بی هنر و فضیلت باشید، از شما دوری جویند. ← چنان که در ردیف چارپایان است.
- \* با توجه به داستان «کرم شب‌تاب» از بخش «گوش کن و بگو» در کتاب فارسی پنجم، که با جملات زیر آغاز می‌شود؛ به پرسش‌های بعدی پاسخ دهید:

«گروهی میمون در کوهی زندگی می‌کردند. یک شب، باد سردی شروع به وزیدن کرد. میمون‌های بیچاره، به اطراف می‌دوییدند و به دنبال جایی گرم می‌گشتند ...»

چرا میمون‌ها روی کرم شب‌تاب، هیزم گذاشتند؟ ۱۳۶

- (۱) میمون‌ها خیال کردند که آن کرم آتش است.
- (۲) میمون‌ها می‌خواستند در تاریکی کسی آنها را نبیند و کنار همدیگر گرم‌تر شوند.
- (۳) میمون‌ها از نور آن می‌ترسیدند و خواستند آن را خاموش کنند.
- (۴) میمون‌ها علاقه‌ای خاصی به نور داشتند.

مرد مسافر به مرغی که روی درخت بود، چه گفت؟ ۱۳۷

- (۱) بیهوده خودت را خسته نکن.
- (۲) حرفاً‌های تو در گوش این گروه فرو نمی‌رود.
- (۳) نصیحت کردن این میمون‌ها مثل پنهان کردن شکر در زیرآب و امتحان کردن شمشیر بر روی سنگ است.
- (۴) هر سه مورد

میمون‌ها در پاسخ مرغ چه کردند؟ ۱۳۸

- (۱) از دست مرغ کلافه شده بودند، او را گرفتند و پرهاش را کنندند.
- (۲) از دست مرغ کلافه شده بودند، به سمت او هیزم پرتاب کردند.
- (۳) از سخنان مرغ خوششان آمد و با کمک همدیگر آتش بزرگی درست کردند و گرم شدند.
- (۴) از سخنان مرغ خوششان آمد و با کمک همدیگر هیزم‌های بیشتری جمع کردند تا آتش دیگری درست کنند.

ضمون این داستان شیبه کدامیک از ضربالمثل‌های زیر است؟ ۱۳۹

- (۱) موش توی سوراخ نمی‌رفت، جارو به دمش می‌بست.
- (۲) شب دراز است و قلندر بیدار.
- (۳) پند دادن به نادان مانند تخم افکنند در شوره‌زار است.
- (۴) شیری یا روباه؟



اگر بی هن و فضیلت باشید، از شما دوری جویند؛ چنان که موش، اگرچه با مردم هم خانه است، چون موزی است، او را از خانه بیرون اندازند و در هلاک آن کوشند.

**گروم شب تاب**

گروهی میمون در کوهی زندگی می‌کردند. یک شب، باد سردی شروع به وزیدن کرد. میمون‌های بیچاره، به اطراف می‌دوییدند و به دنیال جای گرم می‌گشستند. در این هنگام چشم‌شان به کرم شب‌تابی افتاد که در کنار درختی پنهان گرفته بود. میمون‌ها خیال کردند که آن کرم آتش است. هیزم بر روی آن گذاشته بودند و فوت می‌کردند تا آتش درست کنند. مرغی بر روی یکی از شاخه‌های درخت نشسته بود و کار بیهوده میمون‌ها را تماشا می‌کرد. به آنها گفت: این آتش نیست که هیزم روی آن گلایاش ماید! ولی میمون‌ها اصلاً توجهی به حرف‌های او نمی‌کردند. در این هنگام، مرد مسافری از کنار آن درخت می‌گذشت. به مرغ گفت: بیهوده خودت را خسته نکن. حرف‌های تو در گوش این گروه فرو نمی‌رود. نصیحت کردن این میمون‌ها مثل پنهان کردن شکر در زیر آب و امتحان کردن شمشیر بر روی سنگ است. مرغ به حرف‌های مرد مسافر توجهی نکرد. از درخت پایین آمد و نزد میمون‌ها رفت و گفت: این ... آتش ... نیست! میمون‌ها که از دست مرغ کلافه شده بودند، او را گرفتند و پرهایش را کنندند.

**کاربرد ضربالمثل:** زمانی به کار می‌رود که کسی عمر و سرمایه‌ی خود را تباہ و ضایع می‌کند چرا که کسی که تخم در شوره زار بریزد محصول بدست نمی‌آورد و سرمایه‌ای هم که داشته از دست می‌دهد. مانند نصیحت کردن آدم نادان که اثیری در او ندارد.

**گزینه‌ی ۱۰:** این مُکَل در مورد کسانی به کار می‌رود که برای مشکل خود راه حل پیدا نمی‌کنند و مشکل دیگری نیز به آن اضافه می‌کنند.

پاسخنامه

سوالات هوش کلامی  
(استعداد تحلیلی)

سوالات درسی  
(استعداد تحلیلی)

درسنامه

پاسخنامه‌ی تشریحی



۱۳۲ / گزینه‌ی ۲

حوادث، چیزها، سال‌ها، فرزندان

۱۳۳ / گزینه‌ی ۱

آنکن، بکوشید و بشناساید در سایر گزینه‌ها فعل امر هستند.

۱۳۴ / گزینه‌ی ۴

۱۳۵ / گزینه‌ی ۴

چون سر از خاک برآورد و روی زمین را آراست، معلوم گردد که چیست.  
در آن حال، بی‌شک آن را بپورند و از آن بهره گیرند.

۱۳۶ / گزینه‌ی ۱

(شاد) و (خشنود) در این عبارت متادف‌اند.

۱۳۷ / گزینه‌ی ۱

(گمنام) و (شناخته) در این عبارت متضاد‌اند.

۱۳۸ / گزینه‌ی ۳

نگهداری: مراقبت، محافظت

(انسان‌ها، زمانی به این سه چیز می‌رسند که چند و بیش‌گی را در زندگی خود به کار گیرند: اول اندوختن مال از راه پست‌دیده و تلاش برای مراقبت از آن، دوم بخشش به دیگران و سوم محافظت از خود در برابر بلاها).

۱۳۹ / گزینه‌ی ۴

ثروتمند: متضاد تهیه‌ست

(اگر مالی به دست آورده و در نگهداری آن غفلت ورزد، زود تُهییدست شود).

۱۴۰ / گزینه‌ی ۱

خصوصیت: ویژگی

(انسان‌ها، زمانی به این سه چیز می‌رسند که چند و بیش‌گی را در زندگی خود به کار گیرند).

۱۴۱ / گزینه‌ی ۱

فضیلت: فضایل / عقلاً: عاقل

۱۴۲ / گزینه‌ی ۳

سرمایه → سرمایه / صاحب → صاحب / زنده‌گی ← زندگی

بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه‌ی ۲: غلط املایی ندارد.

گزینه‌ی ۳: اصاباب ← اصاباب / مراغبت ← مراقبت

گزینه‌ی ۴: استخانی ← استخوانی

۱۴۳ / گزینه‌ی ۳

بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه‌ی ۱: روی بگرداند. ← سریاز بزنند، امتناع کند

گزینه‌ی ۲: سر از خاک برآورده. ← رشد کرد

گزینه‌ی ۴: دست اسراف به مال او دراز کردند. ← ولخرجي کردند

## ۱۴۹ / گزینه‌ی ۳

موضوع متن باید کلی باشد و نباید فقط جزئی از کل متن را شامل شود. در اینجا موضوع و هدف متن، اهمیت دادن به مشورت و هم‌فکری است.

## ۱۵۰ / گزینه‌ی ۴

ترتیب منطقی عبارت‌ها:

الف) دشمنان حضرت عیسی از اینکه مردم به او ایمان می‌آورند، ه) سخت عصبانی بودند.

ج) حاکم ستمتگر آذن‌زمان دستور داد حضرت عیسی علیه السلام را به داریابویزند.  
د) اما خداوند ایشان را به آسمان بالا برد تا سال‌ها بعد به همراه حضرت مهدی علیه السلام دوباره ظاهر شود.

ب) و در کنار ایشان جهان را پر از عدل و آرامش کند.

## ۱۵۱ / گزینه‌ی ۴

«انجیل» کتاب آسمانی حضرت مسیح و «قرآن» کتاب آسمانی حضرت محمد است. دقت کنید که در گزینه‌ی «۲» ترتیب واژه‌ها درست نیست.

## ۱۵۲ / گزینه‌ی ۴

اگر «نادان» از انتها به ابتداء خوانده شود باز خودش خواهد بود. همچنین می‌توان گفت «نادان» صفت است و سایر گزینه‌ها اسم هستند.

## ۱۵۳ / گزینه‌ی ۲

کاهلی (تبلي): بار معنایی منفی دارد. / خصلت (ویزگی): بار معنایی خوش دارد. / پاداش: بار معنایی مثبت دارد.

## ۱۵۴ / گزینه‌ی ۲

واژه‌ی موردنظر اشارت است و با حرف «ب» آغاز می‌شود.

## ۱۵۵ / گزینه‌ی ۳

تعجب و شگفتی / بزدان و پروردگار / حادثه و رویداد / خصلت و ویزگی ← ۴ گروه

## ۱۵۶ / گزینه‌ی ۴

ظاهر و باطن / هر گز و همیشه / ایمان و بی‌دینی / تاریکی و فروغ ← ۴ جفت

## ۱۵۷ / گزینه‌ی ۱

عمر و تعمیر / معدل و عدل / پرورش و پروردگار ← ۳ گروه

## ۱۵۸ / گزینه‌ی ۱

عمر: حیات، زندگی، سن، روزگار / عمر: نام یکی از خلفای راشدین

## ۱۵۹ / گزینه‌ی ۲

متن درباره چگونگی تشکیل فسیل است.

## ۱۶۰ / گزینه‌ی ۴

طبق متن، احتمال کمی وجود دارد که عروس دریایی فسیل شود، اما همچنان گاهی محیط زیست برای تبدیل این موجودات به فسیل مناسب خواهد بود.

گزینه‌ی «۲»: در موقع زیر به کار می‌رود:

- داشتن آرزوهای دور و دراز

- فرصلت و زمان بسیار داشتن

- بی‌صبر و طاقت بودن

گزینه‌ی «۴»: زمانی به کار می‌رود که بخواهند بدانند که طرف مقابل در

کارش و عملش به نتیجه‌ی خوب و باب میل خود رسیده است یا نه. یا کسی را رساناً کاری می‌فرستند و نتیجه را از ایشان می‌خواهند.

## ۱۴۱ / گزینه‌ی ۱

کاربرد ضرب المثل: زمانی به کار می‌رود که کسی همه‌چیز را باهم برای خودش می‌خواهد و طمع می‌کند.

## کاربرد سه مثیل دیگر:

زمانی به کار می‌رود که کسی کار بیهوده و بی‌ثمری را انجام می‌دهد.

## ۱۴۲ / گزینه‌ی ۱

برای حل این تست، به تفاوت معنایی واژگان زیر دقت کنید:

فروع: روشنایی / فراغت: آسودگی / فراق: دوری

## ۱۴۳ / گزینه‌ی ۳

دقت کنید برای نهاد «هر کس» فعل مفرد می‌آید و چون فعل اول (بردن)

جمع است، گزینه‌های «۲» و «۴» رد می‌شوند.

## ۱۴۴ / گزینه‌ی ۳

حاده: رویداد، پیشامد

دقت کنید با حروف گزینه‌ی «۱» می‌توان واژه‌ی «رخداد» به معنای حاده را ساخت، اما پنج حرفی است، نه شش حرفی.

## ۱۴۵ / گزینه‌ی ۱

در سایر گزینه‌ها تمام واژه‌ها مترادف هستند. اما در گزینه‌ی «۱»، «انداختن» با سایرین مترادف نیست.

انداختن: پرتاب کردن / اندوختن: پس انداز کردن

## ۱۴۶ / گزینه‌ی ۴

حرف آخر واژه‌ی اول (م)، به حرف بعدی خود در جدول الفبا (ن) تبدیل شده است. این رابطه تنها در گزینه‌ی «۴» یافت می‌شود.

## ۱۴۷ / گزینه‌ی ۴

حروف سایر واژگان بر عکس توالی الفبایی است.

## ۱۴۸ / گزینه‌ی ۳

سایر گزینه‌ها موجودات خیالی‌اند.

### پاسخنامه

### □ سوالات هوش کلامی (استعداد تحلیلی)

### □ درسنامه



# درس دوازدهم

تاریخ ادبیات

# كتاب «شاهنامه» (با کاهش و بازنویسی)

## حکیم ابوالقاسم فردوسی

نام متن

فردوسی، فرزند ایران

معنی واژه‌ها

دایله: پرستار	یزدان: خداوند، پروردگار
شیردل: دلیر، شجاع	سریه فلک کشیده: بسیار بلند
شرمسار: خجالت زده، شرم‌مندہ	موئد: روحانی زرتشتی
کاروانیان: هم‌سفران، کسانی که در یک کاروان سفر می‌کنند.	در میان گرفتن: دور و گرد چیزی را گرفتن
سرزنش: نکوهش، بازخواست	جلال: عظمت و شکوه، بزرگی، بلندپایگی
کردن، ملامت	شکوه: بزرگی، عظمت، جلال
پند: اندرز، نصیحت	بر سان: مانند، مثل
بر فراز: بر بالای، بلندی	سرافرازی: سریلندي، افتخار و شکوه
خواستار: خواهان، درخواست کننده	خر و شیدن: بانگ و فریاد بر آوردن، به پا خاستن
جامه: لباس، پوشاش، تن پوش، رخت	بدنشان: شوم، نحس
نیکو: نیکو، خوب، پسندیده	مهان: بزرگان، مهتران
شید: خورشید، درخششده، درخشان	گردن کشان: در شاهنامه معنای پهلوانان، بزرگان و قدرتمندان
جفا: ستم، ظلم، بیداد	بی آزار: بی آزار تو، بدون زحمت دادن به تو
بیفکند خوار: با خفت و ذلت دور انداخت	بُد: مخفف بود
بهشت بَرین: بهشت آسمان	سیمِ غ: مرغی افسانه‌ای که آن را پادشاه پرنده‌گان دانسته‌اند.
نهان: پنهان، متضاد آشکار	



صفحه‌ی ۹۱ کتاب درسی»

تیز هوشائی شو!

## نشانه‌های نگارشی (بخش اول):

## (بخش دوم در صفحه‌ی ۱۴۴)

نقطه (.) : در پایان جمله‌های خبری و امری می‌آید.

کار دانشگاهی

\*\*\* میان حملاتِ واسطہ ← اگر ناک غبستہ خواہی

\* دو طف عیارت ته ضمیر ← ف دو سے، شاعر

بزرگ ایران، در سال ...

\* برای جدا کردن اعضای یک گروه ← علی،

حسن و اکبر به مدرسه رفتند.

کیومه (۳۰۰). در ابتداء و انتهای فعل فو، یا برای

اندیشید و می‌گردید که این روزی یک واردہ به در می‌رسود.

حافی شد و مدعای اهواز آنهاست آنها

دو نقطه (): برش از نقاط قوه مس تقویت می شوند

د شم دن احزای بک حن استفاده مه شو د.

علامت سؤال (؟): در پیان حملات پیشنهادی آید.

پاسخنامه

سوالات هوش کلامی

سوالات درسی

۱۲ سنامه

# نیت‌خواهی

## معنی بیت‌ها

- صورت [زال] مانند خورشید زیبا بود؛ اما همه‌ی موهاش سفید بود.
- [سام] وقتی که موی فرزندش را سفید دید، کاملاً از دنیا مایوس شد.
- اگر بزرگان و پهلوانان به دیدن زال بیایند و در این مورد سؤال کنند، از این بچه‌ی بدشگون (زال) چه بگوییم؟
- [به پهلوانان] بگوییم که این بچه‌ی دیو (زال) چه کسی است؟ بگوییم پلنگ دورنگ است یا پریزاد است؟
- همه‌ی بزرگان جهان، به خاطر داشتن این بچه، در آشکار و پنهان به من می‌خندند.
- کوهی بود که از بلندی به خورشید می‌رسید و از دسترس مردم دور بود و البرز نام داشت.
- لانه‌ی سیمرغ در آنجا (کوه) بود و مردم از لانه‌ی او بی‌خبر بودند.
- بچه (زال) را بالای کوه البرز گذاشتند و برگشتند، مدت طولانی از این ماجرا گذشت.
- پدر زال از او دل برید و او را با خفت و ذلت دور اندخت و به کودک شیرخوار ستم کرد.
- به این ترتیب مدت طولانی گذشت که کودک به طور پنهانی در آنجا بود.
- [سیمرغ گفت]: همان لحظه مثل یک ابر سیاه می‌آیم و تو (زال) را بدون زحمت به اینجا (آشیانه‌ی خودم) برمی‌گردانم.
- دل سام از دیدن فرزندش مانند بھشت شد و فرزند پاکش را تحسین کرد.

۱۳۰

## دانش‌ادبی

**آرایه‌های ادبی** تشییه → چهره‌اش مانند خورشید، درخشان و زیبا / تنش مانند نقره، سفید / رویش چون گل، زیبا / کنایه → مهر در دل کسی افکنند / کنایه → دهان به دهان، گشت / **تشییه** → مانند دایه‌ای مهریان / **تشییه** → چهره‌ی زال مانند خورشید زیبا بود. / **تشییه** → بچه‌ی دیو مانند پلنگ و پری / **تضاد** → آشکار و نهان، دور و نزدیک / کنایه → به خورشید نزدیک بودن: بلند بودن چیزی / **تشییه** → سیمرغ مانند ابر سیاه / کنایه → چو ابر سیاه آمدن / **تشییه** → دل سام مانند بھشت برین

## دانش‌زبانی

قالب شعری مثنوی

**قافية** **بیت اول**: «شید و سپید» / **بیت دوم**: «سپید و نامید» / **بیت سوم**: «گردن کشان و بدنشان» / **بیت چهارم**: «کی و پری» / **بیت پنجم**: «جهان و نهان» / **بیت ششم**: «البرز کوه و گروه» / **بیت هفتم**: «لانه و بیگانه» / **بیت هشتم**: «باز و دراز» / **بیت نهم**: «خوار و شیرخوار» / **بیت دهم**: «دراز و راز» / **بیت یازدهم**: «سیاه و جایگاه» / **بیتدوازدهم**: «برین و آفرین»

**ردیف** در بیت چهارم ردیف (است و است) و در بیت هفتم، ردیف (بود و بود) دیده می‌شود.

**نوع رابطه‌ی بین واژه‌ها** مشهور ← شهرت، شهری، شهره / شعر (مفرد اشعار) ← شاعر (مفرد شعرا)، شعور / ارزشمند ← ارزش، ارزان، ارزنده / درخشان ← درخشند، درخشش، درخشیدن / عیب ← مفرد عیوب / دیدار ← دیده، دیدن، دیدن، بینا، بینش، بینده / خوراک ← خورش، خوردن، خوراکی، خوردنی / سوزان ← سوزنده، سوزش، سوختن، سوختنی / بازی ← بازیچه، بازنده، باختن، باخته / خبر ← مفرد اخبار / جلال ← تجلیل، اجلال، مجلل، جلیل / خواستار ← خواسته، خواستنی، خواستن، خواهش، خواهان / آویخته ← آویختن، آویزان

□ پاسخنامه

□ سوالات هوش کلامی  
(استعداد تحلیلی)

□ سوالات درسی  
(استعداد تحصیلی)

□ درسنامه